

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتگو با آقای عصام العماد — جلسه اول

شبکه سلام : 86/8/6

مجری شبکه سلام، جناب آقای هدایتی

با عرض سلام خدمت شما بینندگان عزیز؛ همچنان که قبلاً به شما قول داده بودیم در این برنامه گفتگوئی داریم با جناب آقای دکتر «عصام العماد». ایشان قبلاً یکی از وهابی های تندرو بوده که با مطالعه های پیگیری که داشته اند حق را در می یابند و مذهب حقه اثناعشری را می پذیرند.

آقای عصام العماد سلام علیکم ! این اولین باری است که در این برنامه با شما گفتگو می کنیم — البته من این مطلب را خدمت بینندگان عزیز عرض کنم که آقای عصام العماد زبان فارسی را به خوبی تکلم می کنند و در شهرهای مختلف به زبان شیرین فارسی سخنرانی می کنند — آقای عصام العماد از شما این درخواست را داریم که برای آشنا شدن بینندگان در ابتداء کمی درباره خصوصیات شخصی خودتان و محل تحصیل و تدریس تان توضیح دهید.

دکتر عصام العماد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي
وَ احْلِلْ عَقْدَهُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَ قُوِّضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ.

ابتداء از جنابعالی و همه بینندگان تشکر می کنم و در واقع انتقال از وهابیت به مذهب اهل بیت یک نعمت

بزرگ است و شکر این نعمت از واجبات بزرگ که من همیشه خداوند عالم را به خاطر این نعمت شکر می کنم . من در سال 1968 در منطقه جنوب یمن به دنیا آمدم ، این منطقه اکثراً شافعی مذهب بوده اند . وهابیت از زمان شیخ محمد الشوکانی و توسط او که اهل یمن و معاصر محمد بن عبدالوهاب بود وارد یمن شد ، از همان زمان یعنی دویست سال پیش ، یمنی ها تحت تأثیر تفکر شوکانی و وهابیت قرار گرفتند . بنده در روستائی به نام الصغار در مرکز وهابیت به دنیا آمدم و در مدارس و حوزه های علمی وهابی ها در یمن که توسط عربستان سعودی و شخصیت های بزرگ سعودی اداره می شود و دقیقاً بعد از حوزه های علمی عربستان تأسیس شده اند به مدت 12 سال به تحصیل پرداختم تا اینکه به درجه امام جماعت و امام جمعه رسیدم و در مساجد صنعاء به عنوان امام جماعت و امام جمعه فاز می خواندم و در همان مساجد تدریس هم می کردم . در عربستان هم نزد علماء بزرگ وهابیت تحصیل کردم از جمله نزد شیخ بن باز مفتی اعظم عربستان و دکتر شیخ عبدالوهاب ضیغمی ، نزد عبدالرزاق شاهی علم مواریث را خواندم ، بیشتر کتاب هائی که خواندم مربوط به محمد بن عبدالوهاب و ابن قیم الجوزیه بود .

هدایتی :

آقای عصام العماد شما بعد از فارغ التحصیلی مجموعاً چند سال به تبلیغ وهابیت و در چه مناطقی مشغول بودید ؟

عصام العماد :

من در مساجد یمن و در خود پایتخت عربستان سعودی و در مساجد ، مدارس و دانشگاه های مناطق مختلف برای وهابیت تبلیغ می کردم ؛مخصوصاً در مناطق سنی نشین مثلاً در یمن که غالباً شافعی و زیدی هستند و به طور کلی به هو منطقه ای که در قون ما بود مسافرت های متعدد می کردیم و تبلیغ وهابیت می نمودیم و در آن مناطق کتاب های وهابیت را رایگان در اختیار مردم قرار می دادیم به ویژه

کتاب های احسان الهی ظهیر و توحید محمد بن عبدالوهاب و کتاب ها و نوارهای کشف شبهات را حتی در خیابان ها .

هدایتی :

شما از بین شخصیت های بزرگ وهابیت آیا کسی را هم ملاقات کرده اید ؟

عصام العماد :

بنده شاگرد شیخ بن باز بودم و با دیگران هم از نزدیک ملاقات داشته ام ، از همان سال های ابتدائی ورود به حوزه وهابیت با آنها آشنا شدیم ؛ ابتداء به صورت نوار سخنان اینها را گوش می کردیم و بعدها به طور زنده و حضوری در جلسات اینها شرکت می کردیم.

هدایتی :

شما چند سال شاگرد آقای بن باز بودید ؟

عصام العماد :

من به صورت حضوری یک سال پیش بن باز درس خواندم .

هدایتی :

آیا شما در زمانی که قائل به مذهب وهابیت بودید ، مقالات یا سخنرانی تندی علیه شیعه داشتید یا خیر ؟

عصام العماد :

بله ، من در همان زمان که در دانشگاه امام محمد سعود – که بزرگترین دانشگاه وهابی ها در دنیا است

و بزرگترین اساتید در آن تدریس می کنند - تحصیل می کردم بعد از آنکه کتاب هائی علیه شیعه خواندم ، ابتداء کتابی نوشتم به نام «همبستگی میل تشیع و غلات» که علیه شیعه نوشتم که مسأله اساسی در این کتاب اثبات این مطلب است که شیعه دوازده امامی و علی الهی ها یکی هستند و ما بر اساس تفکر دانشگاه امام محمد سعود و حوزه های علمیه وهابیت بر این باور بودیم که شیعه دوازده امامی و علی الهی ها از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و در این کتاب ، ما یک بخشی را هم به این چیزهائی اختصاص داده ایم که اسلام از امام علی متضرر شده است مخصوصاً بعد از خواندن کتاب منهاج السنه ما به این نتیجه رسیدیم که باید یک کتاب علیه شیعه بنویسیم و یک کتاب علیه امام علی ، چون ما شخصیت امام علی را تنها از راه منهاج السنه می شناختیم و ما واقعاً با خواندن این کتاب این گونه فکری کردیم که اگر امام علی در همان سال های ابتدائی اسلام از دنیا می رفت ، اسلام هیچ آسیبی نمی دید.

هدایتی :

آقای دکتر عصام العماد ! شما فرمودید که در زمانی که بر مذهب وهابیت بودید کتابی بر ضد شیعه نوشتید ، کمی درباره این کتاب توضیح دهید و بعد اینکه من شنیدم که شما در این کتاب - البته گذشته است و خداوند هم ارحم الراحمین است - العیاذ بالله سب امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم کردید ، آیا این درست است ؟

عصام العماد :

من از سؤال دوم شروع می کنم ؛ وهابی هادر فرهنگ شان منهاج السنه را که نوشته ابن تیمیه است یک کتاب مقدس می دانند و طبیعی است که یک نفر در چنین فرهنگی آن چنان دیدی هم نسبت به امام علی علیه السلام پیدا می کند . ما بعد از خواندن این کتاب جلسات متعدد در پایتخت عربستان سعودی داشتیم و به گفتارهای ابن تیمیه به عنوان راهنمائی نگاه می کردیم و ما به عنوان یک طلبه وهابی چنین دیدی به

کتاب منهاج السنه داشتیم و در واقع این کتاب یک کتاب دشمن شناسی نسبت به امام علی علیه السلام بود. در مسأله سب، این فقط من نبودم بلکه یک جریان بود یعنی هر کس که کتاب منهاج السنه را بخواند و شیعه نباشد - چون شیعه نسبت به امیر المؤمنین علی علیه السلام خیلی علاقمند است و هرگز با خواندن منهاج السنه مرتکب سب نخواهد شد - نسبت به امام علی متنفر می شود و ما هم این گونه بودیم و می گفتیم: امام علی و شیعیانش ستون پنجم در اسلام بودند که اگر آنهانی بودند اسلام این همه دچار ضرر و آسیب نمی شد. و نیز تحت تأثیر افکار محمد بن عبدالوهاب بودیم و یک کتاب از او خواندیم بر ضد شیعه و در آن شیعه را کافر دانسته و فرقی بین شیعه و علی الهی ها فی داند و در هنگام تحصیل این از مسلمات ما بود که علی الهی ها همین دوازده امامی ها هستند. مثلاً شما ببینید وهابیت حتی قرامطه را هم که حجرالأسود از آن خانه کعبه زدیدند، جزو فرقه های شیعه دوازده امامی می دانند و من خیلی از این مسأله تعجب کردم و وقتی که این را بررسی کردم، دیدم که شیخ الاسلام کلینی کتابی نوشته است در رد قرامطه و دیدم که شیعیان دوازده امامی می گویند: قرامطه حتی به مناطق دوازده امامی حمله کردند و صدها نفر از شیعیان دوازده امامی را کشتند.

هدایتی :

آقای دکتر درباره علت تشریفان به مذهب حقه اهل بیت علیهم السلام بفرمائید .

عصام العماد :

بنده بعد از بررسی درباره این شایعاتی که در مورد امام علی در دانشگاه امام محمد سعود گفته می شد به این نتیجه رسیدم که این سخنان واقعیت ندارد خصوصاً بعد از آنکه در دانشگاهی در عربستان کتاب «العتب الجمیل علی اهل الجرح و التعذیل» را خواندم؛ این کتاب نوشته ابن عقیل شافعی است در دفاع از امام علی ورد دشمنی با ایشان، آن طور که من بعدها از علامه محمد حسن امین فهمیدم این آقای

ابن عقیل شافعی در سن 60 سالگی شیعه شده بود اما از ترس ترور توسط اهل سنت این مسأله را تنها با علماء شیعه در میان گذاشته بود . فروش این کتاب در عربستان ممنوع است و طبق فتوای علماء وهابیت خواندن این کتاب از گناهان بزرگ است و ماقبلاً به نمایشگاه هامی رفتیم و این گونه کتاب ها را جمع می کردیم و آتش می زدیم . بعدها بنده به فکر افتادم که این کتاب چه دارد که ما این ها را جمع و آتش می زنیم ؟ لذا من به یک کتابخانه مراجعه کردم و وقتی این کتاب را در قفسه پیدا کردم دیدم که در بالای قفسه نوشته شده بود که خواندن این کتاب از محرمات اسلام است ، من به مسؤل کتابخانه گفتم که بنده محقق هستم و بالاخره این کتاب را گرفتم و دیدم که آقای ابن عقیل شافعی در این کتاب فرموده است :

«ما اهل سنت تمام 120 هزار صحابه پیغمبر را عادل می دانیم ولی چرا علی بن ابی طالب از این قاعده مستثنا است ، ما به عدالت معاویه قائل هستیم و هیچ کتابی علیه او ننوشته ایم ولی علیه امام علی کتاب ها نوشته ایم و طعنه می زنیم . ما می گوئیم که هر کس بر یکی از صحابه طعنه بزند مطرود است مگر اینکه مطاعن امام علی را بگوید که در این صورت این شخص را مطرود نمی کنیم» .

ایشان یک عبارتی در این کتاب آورده اند که واقعاً در من یک تحول و حقیقه ای ایجاد کرد و آن گفته ابن حجر عسقلانی است که هم اهل سنت او را قبول دارند و هم وهابیت که نشان می دهد ایشان در مذهب خود تردید داشته است ؛ ابن حجر عسقلانی علم رجال را که زیر بنای اعتقاد ما به خلافت سه خلیفه است را زیر سؤال برده و گفته است :

« این علم بر اساس دو چیز بنا شده است : یکی اعتقاد به صداقت و راستگویی کسانی که با علی دشمنی دارند و دیگری اعتقاد به زندیق بودن و کاذب بودن کسانی که علی را دوست دارند .

این مسأله برای من خیلی جای تعجب است چون این روایت پیامبر با این مطلب 180 درجه در تضاد است چرا که پیغمبر فرموده :

مخالف و دشمن علی منافق است و این یعنی راویانی که با علی دشمنی دارند نزد پیامبرمبغوض اند و اعتبار سندی ندارند و هر کس که با علی دوست است روایت او مورد اعتبار است و این جای تعجب است که مبنای مذهب ما مخالف با مبنای پیغمبر است.»

این گفته ابن حجر باعث شیعه شدن من بود و نه تنها باعث شیعه شدن من؛ من از یکی از دوستان خود که امام جمعه بود و به تازگی شیعه شده است نیز پرسیدم که چرا شیعه شدی؟ گفت: به خاطر این عبارت ابن حجر عسقلانی و گفت که من فهمیدم که آئین ما آئین اموی است نه آئین وهابیت و تسدن. علی ای حال بنده بعد از خواندن این عبارت ابن حجر فهمیدم که ایشان در مذهب خود شک و تردید داشته است و با این جمله اعتقاد خود را زیر سؤال برده و من فکر می‌کنم که ابن حجر – به خاطر اینکه مذهب دوازده امامی در آن زمان تبلیغات گسترده آن چنانی نداشته است – مجبور بوده که بر مذهب خود باشد.

هدایتی :

جناب آقای دکتر عصام آیا شما بعد از شیعه شدن تل کتابی در رد وهابیت نوشته اید یا نه؟

عصام العماد :

البته بنده بعد از خواندن کتاب ابن عقیل شافعی که باعث تحول و جرقه ای در من شد مجموعه مقالات شیخ مفید را که 14 جلد کتاب است را نیز تهیه کردم و با کمال تعجب دیدم که شیخ مفید از هزار سال قبل به همه شبهاتی که ما بر شیعه وارد می‌کردیم، به طور منطقی از خود کاب های اهل سنت پاسخ داده اند. ابن عقیل ما را از مذهب باطل مان نجات داد و شیخ مفید ما را به مذهب حقه شیعه امامی انتقال داد.

من بعد از آنکه شیعه شدم کتابی نوشتم به نام «[روشی نو و صحیح در گفتگوی اعتقادی با وهابیت](#)» که

به زبان های فارسی و روسی ترجمه شده است. بنده در این کتاب با عقل خود به این مسأله پرداخته ام که واقفاً مشکل مسلمانان مشکل غلوّ نیست بلکه مشکل مسلمانان خلط میان امامیه و غلات است . وهابی های گویند که مشکل غلوّ در امام علی و لوهیّت او است ، بنده به این مسأله پرداخته ام که مشکل اساسی ما عدم تفکیک میان این دو است ، تعداد غلات شاید به صد هزار هم نرسد ، مشکل خلط میان این صد هزار نفر غالی و چهار صد میلیون نفر شیعه دوازده امامی است و وهابیت با این خلط اختلاف میان شیعه و سنی را افزایش داد و همان طوری که آن دانشمند مصری می گوید اختلاف میان شیعه و سنی قبل از وهابیت وجود داشت اما ده درصد ، ولی بعد از وهابیت اختلاف میان شیعه و سنی به نود درصد رسید . وهابیت بعد از آنکه شیعه دوازده امامی را علی الهی معرفی کردند سایر اهل سنت هم باور کردند .

سوالات بینندگان

— من از آقای دکتر عصام این سؤال را داشتم که ایشان از چه سالی مشتاق تشیع شدند و چه عواملی در جهان اسلام باعث این اشتیاق شد ؟

— سؤال اول بنده این است که چرا تعداد کم وهابی ها در جهان اسلام این همه نفوذ دارند ؟ و سؤال بعد اینکه اینها از لحاظ مالی از چه گروه یا کشوری تقویه می شوند ؟ و سؤال بعد اینکه کتاب ایشان را در کجا می توان پیدا کرد و آیا تصمیم دارند که این کتاب را به انگلیسی ترجمه کنند؟

— بنده می خواستم از ایشان بپرسم که آیا از زمانی که شیعه شده اند از سوی وهابیت مورد تهدید هم قرار گرفته اند یا نه و اینکه آیا با شیعه شدنشان چیزی را هم از دست داده اند مثلاً مقام یا ثروت یا هر چیز دیگری ؟

— می خواستم در مورد عایشه مطلبی را بدانم که چرا این سخنان را در مورد ایشل می گویند با اینکه در قرآن آمده که ای پیغمبر بعد از تو در مورد ایشان بهتان هائی را به تو می زنند ؟

پاسخ دکتر عصام العماد

در واقع قرن بیستم قرن اندیشه های آزاد و تفکر آزاد دانشگاهی است فلذا اگر می بینیم که علیه امام علی کتاب های زیادی نوشته شده ، در طرف مقابله با این کتاب ها و دفاع از امام علی نیز کتاب ها نوشته می شود نه فقط کتاب ابن عقیل . امروز در دانشگاه هایی مثل الازهر می بینیم که دانشجویان به دو دسته تقسیم می شوند ؛ عده ای ضد امام علی و عده ای در مقابل آنها ، مثلاً چندی قبل یکی از اساتید الازهر کتابی نوشت به نام «تاریخ الدولة الامویین» که در آن علیه امام حسین علیه السلام حرفها زده و نوشته بود که امام حسین علیه السلام مانند پدرش – العیاذ بالله – نمی فهمید و قیام او بزرگترین ضربه را بر اسلام وارد کرد ؛ بعد از چاپ این شخص دیگری به نام سید قطب خیلی ناراحت شد و کتابی در ردّ این کتاب نوشت و بلا فاصله شخص دیگری کتابی در ردّ کتاب سید قطب نوشت . منظور اینکه شخصیت امام علی آنقدر وسیع است که همان طور که در قرون اول اسلام باعث سنی شدن عده ای و شیعه شدن عده ای دیگر شد ، در قرن بیستم باعث شده کسانی ها حتی وهابی ها به دو گروه تقسیم شوند ؛ عده ای مخالف با امام علی و عده ای طرفدار او . شخصیت امام علی واقعاً باعث یک تحول در اسلام شده است .

متفکر بزرگ مصری عبدالرحمان ضرقاوی کتابی نوشت به نام «امام علی امام المستضعفین» ، بعد از نوشتن این کتاب یک غوغایی به وجود آمد و به اسم کتاب ایراد گرفتند و گفتند که منظور تو این است که خلفاء سه گانه امام المسکبرین اند ، ایشان مجبور شد نام کتاب را عوض کند .

عباس محمود کتابی نوشت به نام «امام علی» که مقدمه ای داشت و الان این مقدمه حذف شده و در آن آورده بود که : من در یک جامعه ای زندگی کرده ام که همیشه امام علی در آن محکوم بوده است ؛ در اختلاف امام علی با عایشه امام علی محکوم است ، در اختلاف امام علی با عمر امام علی محکوم است و در اختلاف امام علی با همه صحابه پیغمبر همیشه امام علی محکوم است و حتی یک بار به امام علی حق ندادیم ولی در این قرن بیستم که قرن آزادی است ما باید درباره امام علی دوباره تاریخ را بخوانیم

و حقیقت امام علی را روشن کنیم و ... بعد از چاپ این کتاب عربستان سعودی اعتراض کرد و گفت که چرادر این کتاب گفته ای : «امام علی» در حالی که در کتاب های دیگر خود مثلاً در کتابی که درباره عمر نوشته ای نگفتی : امام عمر ؟ لذا در چاپ جدید این کتاب اسم امام را از آن حذف کردند یعنی نام کتاب را «علی» گذاشتند ؛ عباس محمود ناراحت شد و گفت : کلمه «امام» برای امام علی کلمه ای معروف در طول تاریخ بوده است . شیخ بن باز فتوا داد که گفتن لفظ «امام» درباره علی بدعت است و علی امام نیست و اگر ما به علی بگوئیم امام علی ، درباره معاویه هم باید بگوئیم امام .

غرض اینکه علت این انقلاب در من ، همین شخصیت امام علی علیه السلام بود که در جهان تحولی ایجاد کرده است .

هدایتی :

خیلی متشکر جناب آقای دکتر عصام و البته من این نکته را اضافه کنم که این فتواها از بن باز خیلی دور از ذهن نیست چرا که ایشان همان کسی است که – به قول شما – در همین قرن بیستم که قرن پیشرفت و تکنولوژی است فتوا داده بود : اگر کسی بگوید زمین کروی شکل است و می چرخد ، این شخص بدعت کرده و فعل حرامی مرتکب و کافر شده و باید او را کشت .

دکتر عصام العماد :

اما در مورد سؤال دوم این مطلب را بگویم که آقای دکتر عبدالرحمان از اساتید بزرگ مراکش است و دارای تألیفات زیادی نیز هست درباره علت نفوذ وهابیت می گوید : « قرن بیستم قرن ملدّی گری است و قرنی است که به جنبه های غیبی و حیات برزخی به عنوان خرافات نگاه می کند و وهابیت از این لحاظ با افکار قرن بیستم سازگاری دارد چرا که در قرن بیستم امدادهای غیبی کم رنگ شده و توسط به عنوان خرافات تلقی می شود ... و وهابیت به خاطر این تفکر مادی گری خیلی زود توانسته نفوذ پیدا کند » .

من دوستی داشتم که کمونیست بود چون در یمن مخصوصاً یمن جنوبی کمونیسم خیلی رواج پیدا کرده - بعد از مدتی متوجه شدم که ایشان وهابی شده و بعدها متوجه شدم که دوازده امامی شده است ، من خیلی تعجب کردم لذا ایشان را بلافاصله ملاقات کردم و علت این تغییر عقیده را پرسیدم ؟ گفت : نزدیک ترین آئین برای من بعد از کمونیستی وهابیت بود ؛ کمونیست خداوند را معقول نمی دانند ، وهابیت خداوند را به عنوان مانند مجسمه و جسم می دانند ، توسل نیست ، زندگی برزخی را قبول ندارند شیعه کمونیست ها .

بنده بررسی کرده ام دانشمندان دیگری هم قائل به این مطلب هستند ؛ شیخ محمد متفکر معاصر مصری هم قائل است که هر جا که وهابیت وجود دارد خیلی زودمبدل به لائیکی و کمونیستی می شود این به خاطر آن است که رنگ دین و خدا در وهابیت خیلی کم رنگ است لذا کمونیست خیلی زود وهابی می شود و وهابی خیلی زود کمونیستی می شود . بنده به برخی از این مناطق سفر داشتم و دیدم که غربزدگی و وهابیت خیلی نزدیک هستند و می گفتند که توسل خرافات است و وقتی این اشتراک عقیده را در وهابیت می دیدند این مذهب را می پذیرفتند . لذا می بینیم که این نفوذ وهابیت به خاطر آن است که استدلال منطقی ندارند و اینها همان حرف غربی ها را مطرح می کنند نه اینکه سخن قرآن را بگویند .

هدایتی :

آقای دکتر درباره منابع مالی وهابیت سؤال کرده اند که بیشتر کجاها هستند ؟

دکتر عصام العمامد :

وهابیت تا قبل از پیدایش نفت در سرزمین های فت خیز قلمرو و محدوده خیلی کمی داشتند ولی بعد از پیدایش نفت که اینها از پول آن استفاده کردند و بعد از آنکه به مکه و مدینه حمله کردند و از دست اشراف گرفتند توانستند گسترش پیدا کنند ؛ لذا وجود این دو پدیده مهمترین عوامل گسترش وهابیت

بوده است : یکی نفت که از پول آن استفاده می کنند و دیگری وجود مکه و مدینه که از تقدس آن برای همه مسلمانان و خصوصاً در ایام حج جهت تبلیغات و نشر کتب های خود استفاده می نمایند ، وهابیت تا قبل از اینکه مکه و مدینه را بگیرند بیشتر از دویست سال از منطقه محمد بن عبدالوهاب حرکت نکردند و اینها وهابیت را در ایام حج به عنوان اسلام معرفی می کنند نه به عنوان مذهب شیخ محمد بن عبدالوهاب و این خیلی عجیب است ؛ ما قبلاً در مدارس وهابیت این طور می خواندیم که بعد از محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله محمد بن عبدالوهاب آمده است و شخصیت محمد بن عبدالوهاب را – العیاذ بالله – شاید صد برابر بالاتر از امام علی می دانستیم . اینها به نویسندگان بزرگ دنیا پول می دهند که در کتاب هایشان فقط این جمله را بنویسند : «مجدد اسلام شیخ محمد بن عبدالوهاب» .

قبل از پیدایش نفت عربستان همه کتب ها درباره تکفیر محمد بن عبدالوهاب بود اما بعد از پدید آمدن نفت عربستان کتب ها به نفع او نوشته شد و به هر نویسنده صدها هزار دلار می دهند تا جائی که اگر کسی کتابی در مورد او بنویسد او را سفیر عربستان در یکی از کشورها می کنند یا او به عنوان متفکر بزرگ اسلام معرفی می کنند .

هدایتی :

جناب آقای دکتر عصام در این باره هم که آیا از وقتی که شیعه شدید مورد تهدید هم قرار گرفته اید یا نه ؟ و اینکه چه چیزهایی را از دست داده اید ؟

دکتر عصام العماد :

بنده بلافاصله بعد از آنکه در مورد امام علی تجدید نظر کردم ، در همین مسجدی که نماز جماعت می خواندم مرا مرتد دانستند .

عمومی بنده رهبر بزرگی در یمن هستند و شخصی است که علیه امام علی کتب های زیادی نوشته و

خیلی متعصب بود و هست بعد از شیعه شدن من گفت : « این طور فکر نکنی که چون پسر من هستی من تو رامی بخشم ، برای من فرقی نمی کند حتی اگر نزدیک ترین افرادم هم شیعه شود او رامی کشم . من اجازه نمی دهم که تو خانواده آل عماد ربا این کفریات ملوث و نجس کنی » ، ایشان در باره من فتوا داد که نشست و برخاست با من گناه بزرگ است . من به خاطرانیت هائی که در مسجد می شدم و نمی خواستم که ایجاد فتنه کنم گوشه نشینی کرده سعی کردم با تأسسی به اهل بیت – که از هر گونه خشونت و مجادله و فتنه دوری می کردند – در خانه بنشینم . در خانه هم که بودم برخی از دوستانم می آمدند و می گفتند که شنیدیم که شما نماز می خواندید ؛ واقعاً برای من خیلی مشکل بود ولی الآن بحمدالله شش نفر از اعضاء خانواده من شیعه شده اند